

پژوهشنامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ  
سال اول، شماره‌ی ۲، زمستان ۱۳۸۸

### پژوهشی تاریخی درباره‌ی خاندان مهاجر دهدار در عهد صفوی

عباس زارعی مهرورز<sup>۱</sup>  
علی‌رضا علی‌صوفی<sup>۲</sup>

#### چکیده

در آغاز عهد صفوی، برخی از دانشمندان و ادیبان به دلایل مختلف از ایران به هندوستان، عثمانی و دیگر سرزمین‌های مجاور مهاجرت کردند. مهاجرت آن‌ها، حیات فرهنگی آن دوران را تحت تأثیر قرار داد. پژوهندگان در پی آنند که دریابند این مهاجرت چه علل و نتایج داشت. در این مقاله، آثار دو تن از مهاجران، معین‌الدین محمد و عمادالدین محمود، معروف به دهدار بررسی شده است. مطالعه‌ی موردی این دو شخصیت می‌تواند بر حیات فرهنگی، مذهبی و اقتصادی ایران در آن دوران، پرتوی بیفکند.

**واژه‌های کلیدی:** مهاجرت، صفویان، خاندان دهدار، هندوستان، عثمانی.

---

<sup>۱</sup>- استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی‌سینا.

<sup>۲</sup>- استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور.

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۰۹/۱۷

تاریخ تأیید: ۱۳۸۹/۰۱/۲۱

## مقدمه

دولت صفوی (۹۰۷-۱۱۳۵ ه. ق / ۱۵۰۱-۱۷۲۳ م)، با حمایت شیعیان ایران و آنتولی و با تکیه بر تفکراتی که پیشتر به گونه‌ای در جنبش باباییان<sup>۱</sup> تجلی یافته بود، به قدرت رسید. آنان توانستند پس از چند سده حکومت بیگانگان، نخستین دولت سراسری را در ایران، با گسترش ایدئولوژی شیعی، تأسیس کنند. اما، از سوی دیگر، صفویان با این اقدام، با عثمانیان و اهداف و آرزوهای توسعه‌طلبانه‌ی آنان درافتادند. از دیدگاه دولت عثمانی، تأسیس سلسله‌ی صفوی وحدت سرزمین‌های اسلامی و مقاصد آنان را به خطر انداخته بود. همچنین، دشمنی سیاسی و ایدئولوژیک صفویان و عثمانی‌ها برای اروپاییان فرصتی مغتنم بود تا شاید اندکی از زیر بار تهاجمات سنگین عثمانی بگریزند.

گرچه صفویان دانشمندان دینی را به نگارش کتاب‌ها و رسایل به زبان فارسی تشویق کردند، اما به نظر بسیاری از نویسندگان، به طور کلی، برآمدن آنان تضعیف علوم و ادبیات فارسی را در پی داشت؛ زیرا آنان چندان توجهی به شاعران و نویسندگان دنیایی نداشتند و توجه عمده‌ی خود را به مسایل مذهبی معطوف کردند.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - رک: راثول متیکا (۱۳۶۸)، "جنبش باباییان در آنتولی"، ترجمه‌ی عباس زارعی‌مهرورز، کیهان فرهنگی، س ۶، ش ۶، صص ۱۱-۱۲.

<sup>۲</sup> - مقایسه شود با راجر سیوری (۱۳۶۳)، *ایران عصر صفوی*، ترجمه‌ی احمد صبا، تهران، کتاب تهران، ص ۱۸۲ به بعد.

آنان حتی بر صوفیان، که در آغاز با آنان روابط صمیمانه‌ای داشتند و در سده‌های پیشین از برجسته‌ترین گروه‌های مروج ادبیات فارسی به شمار می‌رفتند و آثار گران‌بهای را از خود به یادگار گذاشته بودند، تاختند. اوضاع به گونه‌ای شد که، بنا به نظر برخی پژوهشگران، حتی نگهداری کتاب *مثنوی مولوی* در خانه خطری دایمی برای صاحب‌خانه به شمار می‌رفت.<sup>۱</sup> در عهد شاه تهماسب پیروان سلسله‌ی مولویه را از ایران بیرون راندند و در عهد شاه سلطان حسین (۱۱۰۶-۵۱۳۵ ه.ق/۱۶۹۴-۱۷۲۳ م) آزار و اذیت صوفیان سخت‌تر شد. فقط در دوره‌ی شاه‌عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ ه.ق/۱۵۸۶-۱۶۲۹) و پس از رونق اقتصادی کشور، از سیاست قلع و قمع صوفیه کاسته شد و افرادی مانند شیخ بهایی (م ۱۰۳۱ ه.ق/۱۶۲۲ م)، که گرایش‌های صوفیانه هم داشت، و گروهی از دانشمندان و شاعران، با حمایت دربار توانستند به فعالیت بپردازند؛<sup>۲</sup> اما پس از مرگ شاه عباس اول، این سیاست حمایتی، پایان یافت و شاگردان شیخ بهایی ایران را ترک کردند. آنان از دربار صفوی به دربارهای ثروتمند همجوار، نظیر هند، روی آوردند.<sup>۳</sup> از این رو، این پژوهش در پی آن است که رابطه‌ی سیاست و ایدئولوژی دولت صفوی را با گسترش مهاجرت دانشمندان و ادیبان، روشن نماید.

سؤال اساسی در پژوهش حاضر این است که اصولاً چه نسبتی بین ساختار سیاسی و مذهبی دولت صفوی و پدیده‌ی مهاجرت افراد و خاندان‌های سیاسی، علمی و مذهبی وجود داشت؟ پاسخ به این سؤال می‌تواند، به زعم نگارندگان این مقاله، مسأله و دلایل مهاجرت افراد را در جنبه‌های گوناگون سیاسی، مذهبی و فرهنگی تبیین نماید. همچنین، بررسی آثار مهاجران - در این پژوهش اختصاصاً خاندان دهدار - تا حدود زیادی می‌تواند سه موضوع را در خصوص دوران صفوی روشن سازد و ناگفته‌هایی را درباره‌ی حیات فکری و سیاسی این دوران بازگو نماید:

۱. دگراندیشان مذهبی و فکری در چه شرایطی به سر می‌بردند و آیا می‌توان اندیشه‌های سیاسی، فکری و بعضاً مذهبی آنان در تقابل با ایدئولوژی صفوی را از متون آنان، به ویژه نسخه‌های خطی، بازخوانی و بازکاوی کرد؟

<sup>۱</sup> - در این باره رک: یان ریپکا و دیگران، (۱۳۷۰)، *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمه‌ی کیخسرو کتناورزی، تهران، گوتنبرگ و جاویدان‌خرد، صص ۴۲۴-۴۲۷.

<sup>۲</sup> - یان ریپکا و دیگران، ترجمه‌ی عیسی شهابی (۱۳۵۴)، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۴۶۷؛ ایران عصر صفوی، ص ۲۰۳.

<sup>۳</sup> - تاریخ ادبیات ایران، ترجمه‌ی شهابی، صص ۴۶۴-۴۶۷.

۲. کدام گروه‌های فکری و مذهبی در دولت صفوی حق حیات داشتند و مرز عبور از دایره‌ی این دولت چه بود؟

۳. در نهایت، ارتباط این مسأله با پدیده‌ی مهاجرت به هندوستان چیست؟ همچنین، آیا می‌توان در هندوستان، در قالب فعالیت‌های علمی و فرهنگی، ردپایی از مبارزات سیاسی یافت؟ البته باید اذعان کرد که پاسخ به همه‌ی این سؤالات در این پژوهش نمی‌گنجد. زیرا برای این کار تمام این آثار باید با روش هرمنوتیکی و نقد تاریخی بازخوانی شود. از سوی دیگر، بسیاری از این نسخه‌های خطی هنوز دست نخورده باقی مانده، که تعدادی از آنها فراروی بررسی این پژوهش قرار گرفته است.

خاندان دهدار نتوانستند در ایران به فعالیت‌های فرهنگی خود ادامه دهند؛ از این رو، به هند مهاجرت کردند و در آنجا به فعالیت‌های خود ادامه دادند. پژوهندگان در این پژوهش می‌کوشند تأثیر مهاجرت را در نوشته‌های آنان دریابند.

#### پیشینه‌ی پژوهش

درباره‌ی خاندان دهدار تاکنون پژوهش مستقلی نگاشته نشده است و آنچه درباره‌ی آنان موجود است، اطلاعاتی پراکنده و بسیار مغشوش در تذکره‌ها و فهرست‌های نسخه‌های خطی است.<sup>۱</sup> البته این اطلاعات مختصر هم بی‌اشکال نیستند، به گونه‌ای که برخی مقاطع تاریخی زندگانی آنان همچنان نامکشوف مانده است. نام آنان در کتاب‌های تاریخی معتبر عهد صفوی، همچون خلاصه‌التواریخ، عالم‌آرای شاه اسماعیل و جز آن‌ها ذکر نگردیده است. البته عدم ذکر نام آن‌ها دلیل بر بی‌اهمیت بودن نقش آنان نیست؛ بلکه شاید ناشی از اختلاف سیاسی و مذهبی آنان با صفویان باشد و به همین دلیل در منابع رسمی از آنان ذکر نکرده‌اند. در عوض، از روی کتاب‌ها و رسالات ایشان، که بسیاری از آن‌ها به صورت خطی و چاپ‌ناشده در کتابخانه‌ها موجود هستند، می‌توان به اطلاعات ناب و عمدتاً مختصری دست یافت. اما به طور کلی، پژوهش‌های

<sup>۱</sup> - محمدحسین اکبری ساوی، که بخشی از رسایل دهدار را گرد آورده و به چاپ رسانده است، در مقدمه‌ی کتاب، گزیده‌ای از نوشته‌های پیشینیان را درباره‌ی خاندان دهدار ذکر کرده، اما آن نوشته‌ها را نقد و بررسی نکرده است. رک: رسایل دهدار، به کوشش محمدحسین اکبری ساوی، (۱۳۷۵)، تهران، نشر نقطه / میراث مکتوب، مقدمه.

فهرست‌نویسان نسخه‌های خطی، مانند *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، نگاشته‌ی آقابزرگ تهرانی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، هر دو از احمد منزوی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشگاه تهران، نگاشته‌ی محمدتقی دانش‌پژوه و جز آن‌ها، علی‌رغم برخی اشتباهات، تا حدودی در بازشناسی نقش و موقعیت این خاندان کمک می‌کنند.

### شیوی پژوهش

این پژوهش، در واقع، ترکیبی از تاریخ و نسخه‌شناسی است. نگارندگان در این پژوهش، با بهره‌گیری از دیدگاه تاریخی، روش کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی، و مرور آثار خطی دهمدارها، فهرس نسخه‌های خطی و پژوهش‌های جدید، به یافته‌های نوینی در این زمینه دست یافته‌اند. البته از آنجا که این پژوهش نخستین گام در بررسی تاریخی این خاندان است، ممکن است کاستی‌هایی نیز در آن راه یافته باشد؛ که در این زمینه، نقد علمی اهل قلم می‌تواند بسیار راهگشا و مفید باشد.

### بیان هدف

با بررسی و تطبیق آثار خطی دهمدارها، علاوه بر درک حوزه‌های علمی مورد علاقه‌ی دهمدارها، می‌توان تا حدود زیادی اشتباهات درباره‌ی زندگانی و دوره‌ی آنان را نیز اصلاح نمود؛ امری که در این پژوهش، تا حد امکان، مورد توجه قرار گرفته است. ضمناً، با این امر تا حدودی فضای مذهبی و سیاسی عهد صفوی آشکارتر می‌گردد.

### دلایل مهاجرت دانشمندان

مهاجرت دانشمندان در عهد صفوی در دو دوره‌ی مختلف روی داد: دوره‌ی نخست، در حکومت شاه اسماعیل اول (۹۰۷-۹۳۰ ق. / ۱۵۰۱-۱۵۲۴ م) و شاه تهماسب (۹۳۰-۹۸۴ ق. /

۱۵۲۴-۱۵۷۶م)، و دوره‌ی دوم، پس از مرگ شاه عباس اول (۱۰۳۸ه.ق/ ۱۶۲۹م) و به قدرت رسیدن شاه صفی (جمادی‌الآخر ۱۰۳۸- صفر ۱۰۵۲ / فوریه ۱۶۲۹- مه ۱۶۴۲). البته دلایل مهاجرت دانشمندان در این دو دوره متفاوت است. در دوره‌ی نخست، آنان به دلایل مذهبی و سیاسی ایران را ترک کردند. با وجود زمینه‌ی گسترش روزافزون تشیع در ایران از سده‌های پیش،<sup>۱</sup> شاه اسماعیل در این راه گاه خشونت و سنگدلی، به ویژه علیه دانشمندان دینی، از خود نشان داد.<sup>۲</sup> در شیراز، به سال ۹۰۹ه.ق/ ۴-۱۵۰۳م، پس از تعاقب سلطان مراد آق‌قویونلو، فرمان قتل برخی از دانشمندان دینی را صادر نمود، از میان این دانشمندان مغضوب، تنها شمس‌الدین محمد خفری، که پس از جلای وطن روحانیان سنی، در کاشان محل رجوع شیعیان بود، از مرگ رست.<sup>۳</sup> البته برخی از دانشمندان به سرزمین‌های مجاور گریختند. ادریس بدلیسی،<sup>۴</sup> نگارنده‌ی *شرفنامه* و مصلح‌الدین شافعی لاری، شاگرد ملاجلال‌الدین دوانی، به عثمانی مهاجرت کردند. عبدالعلی بیرجندی و فضل‌الله بن روزبهان خنجی اصفهانی، مشهور به ملای اصفهانی، دشمن سرسخت صفویان و نگارنده‌ی *مهمان‌نامه‌ی بخارا، سلوک الملوک و عالم آرای امینی*<sup>۵</sup> و امیرعبدالوهاب، شیخ‌الاسلام تبریز در *ماوراءالنهر مأمون یافتند*<sup>۶</sup> همچنین، در عهد شاه تهماسب اول (۹۳۰-۹۸۶ه.ق/ ۱۵۲۴-۱۵۷۸م) نقطویان<sup>۷</sup> تحت پیگرد قرار گرفتند.

<sup>۱</sup>- رک: نورالله عقیلی، (۱۳۸۳)، "جستاری در زمینه‌های رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران"، مجموعه‌ی مقالات همایش صفویه در گستره‌ی تاریخ ایران زمین، تبریز، دانشگاه تبریز، گروه تاریخ، صص ۶۲۱-۶۳۴.

<sup>۲</sup>- ایران عصر صفوی، صص ۲۵-۲۶؛ ذبیح‌الله صفا، (۱۳۵۶)، *خلاصه‌ی تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران از آغاز تا پایان عهد صفوی*، تهران، امیرکبیر، ص ۲۶۳.

<sup>۳</sup>- قاضی نورالله شوشتری (۱۳۷۷)، *مجالس المؤمنین*، ج ۲، تهران، اسلامیه، ص ۲۳۴.

<sup>۴</sup>- والتر هینتس (۱۳۴۶)، *تشکیل دولت ملی در ایران، حکومت آق‌قویونلو و ظهور دولت صفوی*، ترجمه‌ی کیکاوس جهاننداری، تهران، کمیسیون معارف، صص ۱۵۱-۱۵۲.

<sup>۵</sup>- درباره‌ی دیدگاه او رک: علی‌رضا علی‌صوفی، "اندیشه‌های حکومتی فضل‌الله بن روزبهان خنجی، در ترازوی سلوک الملوک"، مجموعه‌ی مقالات همایش صفویه...، صص ۶۳۵-۶۵۰؛ فضل‌الله بن روزبهان (۱۳۶۲)، *سلوک الملوک*، تصحیح و مقدمه‌ی محمدعلی موحد، تهران، خوارزمی.

<sup>۶</sup>- تشکیل دولت ملی در ایران، صص ۱۴۸-۱۵۰.

<sup>۷</sup>- نقطویان، از شاخه‌های حروفیان، که حروف الفبا را دارای ویژگی‌های معجزه‌آسا و شگفت‌آوری می‌دانستند، یکی از فرقه‌های مخفی و صوفی مسلک مسلمان بودند که در سده‌ی دهم / هفدهم در هندوستان اعتباری تحصیل کردند. شیخ ابوالفضل پسر شیخ مبارک ناگوری، که در

مهاجرت در دوره‌ی دوم، بلافاصله پس از مرگ شاه عباس اول رخ داد. عدم کفایت سیاسی و قساوت و سنگدلی بی‌رحمانه‌ی شاه صفی، باده‌گساری شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ه.ق/ ۱۶۴۲-۱۶۶۷م) و شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵ه.ق/ ۱۶۶۷-۱۶۹۴م) و تصمیمات نابخردانه‌ی ایشان، فضای سیاسی-دینی جامعه را تنگ و تاریک ساخت.

در فضای سیاسی و فرهنگی عهد صفوی، فضلا و دانشمندان و شاعران و به طور کلی اصحاب فکر و فرهنگ که مایل بودند فارغ از کشمکش‌های سیاسی و مذهبی و مستقل از حکومت و نظام ایدئولوژیک آن به فعالیت بپردازند، عمدتاً با مشکل مواجه گردیدند. اما صفویان در امور ادبی اصرار داشتند که افکار نویسندگان و شاعران را در خدمت خود به کار گیرند. بنابر این، پیروان افکار و سبک‌های بیرون از این چارچوب، راهی برای بقای خود نیافتند و چاره‌ای جز مهاجرت به سایر سرزمین‌ها ندیدند. در زمره‌ی این گروه می‌توان از صائب تبریزی یاد کرد، که سبک خود را در هند ارائه داد؛ از این رو، بعدها به سبک هندی مشهور گردید. ایدئولوژی سیاسی و مذهبی حاکم، مشوق سبکی از ادبیات و فرهنگ بود که در خدمت آرمان‌های آن باشد؛ بنابر این، یا به سبک‌های دیگر به مخالفت برمی‌خاست یا به آنها توجهی نمی‌کرد. این سیاست صفویان باعث افت محسوسی در ادبیات فارسی در ایران و حتی هند گردید و سطح توقع را از آن کاهش داد. همچنین، این سیاست فرهنگی موجب سبک خاصی در ادبیات عهد صفوی گردید که می‌توان آن را شعر مذهبی شیعی در قالب سوگ‌نامه نامید. به عنوان نمونه، ملاحسین واعظ کاشفی روضه *الشهدا* (باغ شهیدان) را سرود. شاید بتوان گفت که این سبک ادبی از سده‌ی شانزدهم روضه‌خوانی را پدید آورد.<sup>۱</sup> همچنین، کشکول‌نویسی را رواج داد که شیوع آن در عهد

هندوستان به منصب وزارت جلال‌الدین محمد اکبر - پادشاه مغول هند (۹۶۳-۱۰۱۴ه.ق/ ۱۵۵۶-۱۶۰۵م) - رسید، از پیشروان این فرقه بود. او منشورها و رساله‌ها می‌نوشت و به ایران می‌فرستاد و مردم را به مسلک خود دعوت می‌کرد. این فرقه در ایران، به ویژه در میان دانشمندان، اندک شیوعی یافت. علاوه بر کشتار آنان در عهد شاه تهماسب، در عهد شاه عباس اول نیز، این واقعه تکرار گردید. منجمان، شاه را از یک بالای آسمانی مطلع کردند و او، بنا بر اعتقاد قلبی به سعد و نحس، سه روز از تخت به زیر آمد، پس یوسفی ترکش دوز، یکی از تقطویان مرید درویش خسرو قزوینی، را از زندان به تخت سلطنت کشاندند و پس از سه روز سلطنت مستعجل گشتند. پس از آن دور دیگری از کشتار تقطویه آغاز گردید (رک: مجتبی مینوی (۱۳۵۶)، "سلطنت یوسفی ترکش دوز"، داستان‌ها و قصه‌ها [مجموعه‌ی عمر دوباره، ج ۱]، تهران، خوارزمی، صص ۱۳۷-۱۴۷ و صفحات بعد؛ علی رفیعی، "حروفیه"، *دائرة المعارف تشیع*).

<sup>۱</sup> - پیر آوری، (۱۳۸۸)، *تاریخ ایران در دوره‌ی پهلوی از رضاشاه تا انقلاب اسلامی* (مجموعه‌ی تاریخ ایران کمبریج)، ج ۷، دفتر ۲، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر، تهران، نیل، ص ۳۵۲.

صفوی و پس از آن یکی از نشانه‌های انحطاط فرهنگی و ادبی به شمار می‌رود. گرچه خود صفویان ایجاد کننده‌ی آن نبودند؛ زیرا از نمونه‌ی ادبیات فارسی رایج در هند به شمار می‌رود. نویسنده‌ی کشکول، اگر بتوان او را نویسنده نامید، نیازی به تنظیم و ترتیب و ارائه‌ی دیدگاه نداشت. او می‌توانست هرگونه مطلبی را در هر جای کتاب بنگارد و بدین روش اثری به نام خود ثبت کرده و با دریافت پاداش از شاه گذران عمر نماید.<sup>۱</sup> حسن این کار برای نویسنده آن بود که در عافیت می‌زیست. زیرا هر آنچه در آن مجموعه گرد می‌آورد، از دیگران بود و به عقاید خود اشاره‌ای نمی‌کرد. از سوی دیگر، صفویان نیز مشوق چنین ادبیاتی بودند؛ زیرا با بسیاری از جنبه‌های ادبیات سنتی ایران، مانند عرفان، اشعار عاشقانه و اخلاق دنیوی، دشمنی می‌ورزیدند.

علاوه بر فشارهای سیاسی، که از عهد مغول بدین سو ادامه داشت، عوامل فرهنگی و اقتصادی نیز به مهاجرت‌ها دامن می‌زد. چه برخی از خاندان‌های دانشمند به طمع مال و منال طریق سفر می‌پیمودند. در این هنگام آوازه‌ی سخاوت دربارِ دهلی و دولت‌های دکن تأثیرهایی کاملاً متفاوت داشت. در آنجا نوید سودهای سرشارتری می‌رفت و گاه مهاجران از آزادی بیشتری برخوردار بودند، اما آنان در آنجا چندان خوشدل نبودند؛ زیرا خواه ناخواه خود را ملزم به تطبیق با محیطی بیگانه می‌دیدند و در نتیجه، به مرور با فرهنگ ایرانی فاصله گرفتند.<sup>۲</sup>

از نظر انتخاب کوچ‌گاه، دو گزینه پیش پای مهاجران قرار داشت؛ یکی امپراتوری عثمانی در غرب، و دیگر، دولت‌های شبه قاره‌ی هند در شرق ایران.<sup>۳</sup> یکی از دلایل این امر ستیزه‌جویی مذهبی صفویان و عثمانیان بود که چند بار در طول حیات دو دولت به صورت کشمکش‌های مرزی بروز کرد. از این رو، دانشمندان ترجیح می‌دادند به سرزمین هندوستان عزیمت کنند. علاوه بر کشاکش مذهبی بین صفویان و عثمانیان، بسیاری از ایرانیان با خوش‌بینی امیدوار بودند

<sup>۱</sup> - رک: عباس زارعی مهرورز، (۱۳۷۴)، "معرفی نسخه‌ی خرقة علما، کتابی از عهد صفوی"، وقف میراث جاویدان، ش ۱۰، ص ۱۱۲-۱۱۳. متأسفانه این مقاله ناقص است؛ زیرا نیمی از مقاله، که مهم‌ترین بخش آن نیز محسوب می‌گردد، شامل توضیح درباره‌ی خاندان خنجی‌اصفهان‌ی، دلایل تغییر مذهب روزبهان بن عماد به شیعه و مهاجرت او به هند، توسط گردانندگان مجله و بدون کسب اجازه از نگارنده حذف شده است!

<sup>۲</sup> - تاریخ ادبیات ایران، ترجمه‌ی شهابی، ص ۴۶۷.

<sup>۳</sup> - G.L. Tikku., *Persian Poetry in Kashmir*, p.۹۰. به نقل از فرهنگ ارشاد (۱۳۶۵)، مهاجرت ایرانیان به هند (قرن هشتم تا هیجدهم میلادی)، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، صص ۲۰۱ و ۲۰۸-۲۰۹.

پس از مدتی، با تغییر و مساعد شدن اوضاع، به وطن مألوف باز گردند؛ بنابراین، دولت عثمانی برای مهاجران، به ویژه در دوره‌ی دوم، جاذبه‌ای نداشت و بیشتر آنان دولت‌های شبه قاره‌ی هند را برگزیدند، که از لحاظ عقیدتی با صفویان سر عناد نداشتند؛ سهل است عقاید شیعی در برخی از آن دولت‌ها، همچون دولت قطب‌شاهی غلبه داشت. همچنین، ایرانیان به خوبی اطلاع داشتند که در دولت‌های هند آزادی عقاید، تسامح مذهبی، امنیت و نوعی ملوک‌الطوایفی برقرار است و دربارهای آنجا، در رقابت با یکدیگر، از دانشمندان مهاجر به گرمی استقبال می‌کردند. در اوایل عهد صفوی، در عهد شاه تهماسب یکم، ایران عملاً گرفتار انزوا شده و ارتباط فرهنگی خود را با سرزمین‌های عربی و اسلامی در غرب و ازبکان در شرق، از دست داد.<sup>۱</sup> در همین دوران، نقطویان به دلیل عقاید سیاسی و مذهبی به هند گریخته و در آنجا پناه یافتند. مهاجران شرایط و زمینه‌های مهاجرت افراد خانواده یا دوستان و آشنایان خود را نیز فراهم می‌کردند، که بیشتر متعلق به لایه‌های متوسط و بالای جامعه ایران بودند.<sup>۲</sup> این سیل مهاجرت تدریجی در تمام عهد صفوی جریان داشت. به نظر می‌رسد آخرین نسل دانشمندان مهاجر عهد صفوی، شاگردان شیخ بهایی، همچون محمد بن علی بن خاتون عاملی، نگارنده‌ی ترجمه‌ی قطب‌شاهی، جامع التمثیل و...، روزبهان بن عماد خنجی اصفهانی، نگارنده‌ی خرّقه‌ی علما بودند، که ترجمه‌ی آثار و افکار استادشان را با خود نزد خاندان قطب‌شاهی (۹۱۸-۱۰۹۸ ه.ق / ۱۵۱۲-۱۶۸۷م) در گلکنده‌ی دکن به ارمغان بردند.<sup>۳</sup> در این سیل مهاجرت، خاندان دهدار از نخستین مهاجران به شمار می‌روند.

<sup>۱</sup> - محمدعلی چلونگر (۱۳۸۳)، "سیاست مذهبی شاه تهماسب اول و گسترش تشیع در ایران"، مجموعه‌ی مقالات همایش صفویه...، ص ۲۷۷.

<sup>۲</sup> - همان، ص ۲۰۴؛ مقایسه شود با عبدالحسین نوایی / عباسقلی غفاری فرد (۱۳۸۱)، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، تهران، سمت، ص ۳۶۷.

<sup>۳</sup> - "معرفی نسخه‌ی خرّقه‌ی علما، کتابی از عهد صفوی"، صص ۱۱۲-۱۱۳.

## خاندان دهدار

خاندان دهدار از دسته‌ی دوم مهاجران به شمار می‌روند آنان در صدد بودند که مستقل از چارچوب فکری حکومت صفوی به فعالیت بپردازند و ضمناً، برخلاف افرادی مانند خنجی اصفهانی، قصد نداشتند از لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک با صفویان درگیر شوند؛ از این رو، راه هند را در پیش گرفتند. در منابع اطلاعات چندانی درباره‌ی آنان وجود ندارد. متأسفانه آنان در آثار خود نیز مطلبی درباره‌ی زندگی خود ننوشته‌اند. به طور کلی، این امر یکی از مشکلات بررسی زندگانی دانشمندان و نویسندگان در جهان شرق به شمار می‌رود. همچنین، در تذکره‌ها و فهرست‌ها و تقریباً تمام آثار خطی، نام، لقب و کنیه‌ی این خاندان به صورت نادرست ثبت شده است.<sup>۱</sup> به عنوان مثال، لقب معین‌الدین گاه برای محمود، و کنیه‌ی ابومحمد گاه برای محمد ذکر شده، که هر دو اشتباه فاحش است. این اشتباه طبعاً به انتساب کتب آن‌ها به همدیگر و جز آن‌ها منجر شده است، که پس از این خواهد آمد. به نظر نگارندگان، علت عمده‌ی این اشتباهات، تشابه نام‌های محمد و محمود، کنیه‌ی ابومحمد، و نسبت فامیلی دهدارهاست، که از آنان تنها چهار تن شناخته شده‌اند: احمد عیانی جهرمی، شمس‌الدین محمد خفری، عمادالدین محمود عیانی و معین‌الدین محمد. به نظر نگارندگان و بنا بر دلایل تاریخی، ترتیب نسلی آنان بدین ترتیب است: معین‌الدین محمد فرزند ابومحمد عمادالدین محمود بن شمس‌الدین محمد بن احمد دهدار.

<sup>۱</sup> - برای نمونه‌ای از اشتباهات مذکور در فهرست‌ها و پژوهش‌ها، رک: شیخ آقازرگ تهرانی (۱۳۴۵)، *الدریعه الی تصانیف‌الشیعه*، تهران، [اسلامیه]، ج ۹، ص ۷۷۷؛ ج ۱۸، ص ۱۵۷؛ او در *طبقات اعلام‌الشیعه* برخی از اشتباهات خود را در این باره تصحیح کرده است؛ سعید نفیسی (۱۳۴۴)، *تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری*، ج ۲، تهران، فروغی، ص ۸۰۷. نفیسی سال وفات محمد را با سال وفات محمود، که معلوم نیست، اشتباه کرده و در انتساب کتاب‌های آن‌ها هم دچار اشتباه شده است. چنین اشتباهاتی در فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی هم دیده می‌شود (عبدالحسین حائری و دیگران (۱۳۴۷)، *فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی*، ج ۱۰، بخش اول، تهران، کتابخانه‌ی مجلس، صص ۵۸-۵۹). احمد منزوی، با الهام از نفیسی، می‌گوید که عیانی و فانی پدر و بسر هستند (احمد منزوی (۱۳۶۱)، *فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان*، ج ۱، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ص ۷)؛ اما نفیسی می‌گوید: «ظاهراً [محمود عیانی] از خاندان احمد دهدار شیرازی بوده که فانی تخلص می‌کرده» (همان، ج ۲، صص ۶۵۵، ۸۰۷)؛ و در جای دیگر می‌گوید: «نام فرزند محمود، احمد است و به خطا محمد بن محمود نوشته‌اند» (همان، ج ۲، ص ۸۳۷). منظور نفیسی، احمد پدربزرگ محمود نیست، بلکه چنانکه پیشتر گفته (ج ۲، صص ۶۵۵-۶۵۶)، منظورش همان معین‌الدین محمد بوده، که به خطا احمد نامیده است.

دهدارها خاندانی از مردم هویزه‌ی خوزستان بودند، که به خفر<sup>۱</sup> و از آنجا به شیراز رفتند؛<sup>۲</sup> به همین دلیل، انتساب "خفری شیرازی"، در پایان نام آن‌ها دیده می‌شود. تخلص شعری معین‌الدین محمد، "فانی" و ابومحمد محمود، "عیانی" بوده است.

در منابع درباره‌ی احمد، جد اعلا‌ی این خاندان، مطلبی نیامده است؛ اما از فرزندش شمس‌الدین محمد خفری، یا فاضل خفری، همین قدر آشکار است که از حکیمان بزرگ عهد شاه اسماعیل صفوی و از شاگردان صدرالحکما امیر صدرالدین محمد دشتکی شیرازی، و به قولی سعدالدین تفتازانی، و نگارنده‌ی کتاب‌های مختلف در فلسفه، تفسیر، علوم غریبه و غیره - از قبیل اثبات الواجب، اثبات الهیولی، تفسیر آیه‌ی الکرسی، تکمله در شرح تذکره‌ی نصیریبه‌ی خواجه نصیرالدین طوسی، رساله‌ی الرمل - بوده و در سال ۵۹۵۷ ه.ق / ۱۵۵۰ م، در عهد شاه تهماسب صفوی درگذشته است.<sup>۳</sup>

#### ابومحمد عمادالدین محمود دهدار (م ۱۰۱۶ ه.ق / ۱۶۰۷ م)

از زندگانی ابومحمد عمادالدین محمود چندان چیزی دانسته نیست. او دست کم یک بار به هند رفت و پس از مدت نامعلومی به ایران بازگشت. زیرا در آغاز کتاب جامع الفوائد به این موضوع اشاره کرده است.<sup>۴</sup> او در جفر و حروف و علوم غریبه، همچون رمل و کیمیا و طلسمات،<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> - بخش خفر در شهرستان جهرم و استان فارس واقع است و موقعیت آن کوهستانی - جلگه‌ای است (نعت‌نامه‌ی دهخدا، ذیل «خفری»)

<sup>۲</sup> - فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۱، ص ۶.

<sup>۳</sup> - محمدعلی مدرس (بی تا)، ج ۲، ریحانه‌ی الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه و اللقب (کنی و القاب)، ج ۲، تبریز / تهران، شفق / خیام، ص ۱۵۴؛ به نقل از شاهد صادقی؛ ذبیح‌الله صفا (۱۳۶۲)، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، بخش ۱، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ص ۳۴۷؛ نفیسی، همان، ج ۱، ص ۳۸۵؛ «خفری»، نعت‌نامه‌ی دهخدا.

<sup>۴</sup> - رک: الدرر، ج ۵، ص ۶۸.

<sup>۵</sup> - بخشی از علوم غریبه، همچون جفر و رمل و طلسمات، در فرهنگ اسلامی مشحون از تفسیر باطنی حروف است. در جفر، به معنای چاه فراخ، از حرف که مستقل به دلالت است، گفتگو می‌شود و پیروانش مدعی هستند که به وسیله‌ی آن می‌توان به همه‌ی حوادث آینده آگاهی یافت. رمل، به معنی شن و ریگ نرم، ابزار پیشگویی آینده و طالع افراد است. رمال مدعی است که از طریق خطوط منقوش بر رمل به مجهولات پی می‌برد. درباره‌ی طلسمات، به معنی گره لاینحل، گویند که آن می‌تواند فعل غریب و خلاف انتظاری در جهان پدید آورد ( «حرف» و «طلسمات»، نعت‌نامه‌ی دهخدا؛ «جفر» و «رمل»، فرهنگ عمید؛ فرهنگ لاروس یا المعجم العربی الحدیث).

دستی توانا داشت و تألیفاتی چند در این علوم از خود به یادگار گذاشت. او در سده‌ی دهم هجری / هفدهم میلادی می‌زیست و گویا بیشتر عمرش را در عهد شاه تهماسب صفوی گذراند. گویند او استاد بهاء‌الدین محمد عاملی (شیخ بهایی) در علوم غریبه بوده است.<sup>۱</sup> البته نباید او را با عمادالدین محمود فرزند سراج‌الدین مسعود طبیب شیرازی، نگارنده‌ی کتاب‌های طبی، یکی دانست؛ به ویژه آن که این دو با هم معاصر بوده‌اند. مقبره‌ی عمادالدین محمود دهمدار در حافظیه‌ی شیراز است. بنابر این، معلوم است که او پس از مهاجرت به هند، دوباره به وطن مألوف بازگشته است. او با شیخ ابوالقاسم امری شیرازی دوستی داشت و مدتی نزد او تلمذ نمود و احتمالاً علوم غریبه را از او فراگرفت و در تصوف نیز «قریب به آن شده بود که بالکلیه از موهومات بگذرد».<sup>۲</sup> این ابوالقاسم به نقطویه منسوب بود و لذا حکم مرگ او را صادر کردند؛ اما شاه تهماسب فرمان داد تا او را با یک درجه تخفیف! در ۹۳۲ ه. ق. / ۱۵۲۵ م، کور کردند. امری بدان حال می‌زیست تا آن که در شورش عوام شیراز، به سال ۹۹۹ ه. ق. / ۱۵۹۱ م، کشته شد. امری شیرازی اقسام شعر را نیکو می‌سرود و تألیفاتی از او بازمانده است؛ از آن جمله رساله‌ی ذکر و فکر و جواب مرآة الصفا قابل ذکر است.<sup>۳</sup> اتفاقاتی از این دست را می‌توان در پیوند با ایدولوژی‌گرایی دولت صفویه و ستیز و عناد با قرائت‌های دیگری از شیعه و دیگر مذاهب اسلامی قلمداد نمود. همچنین، مشاهده و تداوم چنین شرایطی دانشمندانی همچون خاندان دهمدار را به مهاجرت به سوی سرزمین هندوستان ناگزیر کرد.

احتمالاً محمود نیز، به حکم این دوستی با ابوالقاسم شیرازی و ماهیت و مضامین نوشته‌های خودش، از آزار مصون نبوده است. نفیسی او را پیرو طریقه‌ی حروفی دانسته است.<sup>۴</sup> اما ایجاد و گسترش فعالیت حروفیان مربوط به دوره‌ی تیموری (۷۷۱-۹۰۶ ه. ق. / ۱۳۶۹-۱۵۰۰ م) است و در عهد شاه تهماسب صفوی نقطویان، که شاخه‌ای از حروفیان بودند، فعالیت شدیدتری داشتند. بنابر این، دهمدار احتمالاً بیشتر گرایش‌ات نقطوی داشته و این امر تا حدودی از علاقه‌ی او در نوشتن

<sup>۱</sup> - محمدحسن میرجهانی طباطبایی، (۱۳۷۰)، *روایح‌النسمات در شرح دعای سماء*، تهران، ص ۱۰۰.

<sup>۲</sup> - خان‌بابا منشار، (۱۳۴۴)، *مؤلفین کتب جایی فارسی و عربی*، ج ۶، تهران، بی‌نا، ص ۸۳.

<sup>۳</sup> - فرصت‌الدوله شیرازی، (۱۳۶۲)، *آثار عجم*، تهران، بامداد، افست از روی چاپ سنگی، ص ۴۶۴؛ *تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری*، ج ۲، ص ۷۰۹.

<sup>۴</sup> - *تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری*، ج ۲، ص ۸۰۷.

کتاب‌ها و رسالات در جفر و کیمیا و علم نقطه آشکار می‌شود. علومی که او بدان پرداخت، مورد تأیید حکومت صفوی نبود. معلوم نیست که او کدام آثار را در ایران و کدام آثار را در هند نگاشت. اما آشکار است که این علوم و فنون بسیار مورد علاقه‌ی نقطویان بود. عدم پذیرش این علوم از سوی حکومت صفوی احتمالاً از علل مهم مهاجرت او به هند به شمار می‌رود. در نوشته‌های عمادالدین مطلبی دال بر مخالفتش با حکومت صفوی دیده نمی‌شود؛ اما این امر را نباید به قبول سیاست‌های آنان تعبیر نمود. دولت‌های حاکم بر هند به هیچ وجه مایل نبودند در روابطشان با ایران مشکلی ایجاد گردد. مهاجران نیز به خوبی به این امر واقف بودند. ضمناً شاید مهاجران امید داشتند روزی با مساعد شدن اوضاع به ایران بازگردند. بنابر این، از نگارش مطالبی که به این هدف آسیبی وارد می‌ساخت، خودداری می‌کردند. بنابر این، او در هند فقط به نگارش کتبی در علوم مورد علاقه پرداخت و از فعالیت‌های سیاسی دوری گزید. به طور کلی، در آثار دیگر مهاجران به هند نیز مطالبی دال بر مخالفت سیاسی با صفویان دیده نمی‌شود.

تخلص او در شعر «عیانی» بود و انتساب آن به پسرش معین‌الدین محمد خطاست. شاید او این تخلص را از جد خود احمد جهرمی گرفته باشد. او در *اسرار الحروف* و برخی از آثار دیگرش بارها تخلص خود را آورده است:

یاء بسم الله چون شد جلوه‌گر  
ای عیانی برگشا گنج  
گهر<sup>۱</sup>  
یا در آخر همین منظومه:

یا الهی از سر صدق و صواب  
ساز دعوات عیانی  
مستجاب<sup>۲</sup>

و در پایان *جواهر الاسرار* می‌گوید:

من عیانی که تخلص دارم  
به تولای علی در  
کارم

<sup>۱</sup> - عمادالدین محمود دهدار (ش. ۲ / ۷۶۳۱)، *اسرار الحروف*، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم، برگ ۱۷ ب. دوست و ادیب گرامی، جناب دکتر قهرمان شیری، اشعار مذکور در این مقاله را بررسی و تصحیح کردند؛ بدین وسیله از ایشان سپاسگزاری می‌شود.

<sup>۲</sup> - همان، برگ ۲۹ ب.

هست در نَعْتِ نَبیِّ تَحْرِیرِم  
تَقْرِیرِم<sup>۱</sup>  
یا در دیباچه‌ی منظوم کتاب مذکور:

ای عیانی اگرت هست عیان ساز این جوهر اسرار عیان<sup>۲</sup>  
او همه‌ی آثار خود را به زبان فارسی نگاشت. همچنان که پیشتر گفته شد، در منابع میان کتاب‌های او و معین‌الدین محمد خلط‌های بسیار شده است. از مهم‌ترین دلایل این امر، علاوه بر نسبت خانوادگی و تشابه اسمی آنان، اشتباهات تذکره‌نویسان و کاتبان نیز قابل ذکر است. به طور کلی، باید گفت که عمادالدین فقط در زمینه‌ی کیمیا و علوم غریبه - جفر و رمل و طلسمات - نوشت و معین‌الدین فقط در تصوف.

برای آن که تصویر نسبتاً روشنی از افکار این دو تن ارائه شود، جداگانه فهرستی مختصر از آثار آنان ارائه می‌شود. نخست، آنچه از کتاب‌ها و رساله‌های عمادالدین باز مانده، به قرار ذیل است:

۱. استخراج نام معین‌الدین محمد - بنا به اعتقاد او، نام هر شخص با یکی از اسماء اعظم توافق دارد، که به چند طریق آن را می‌توان استخراج کرد. او در این رساله برای آموزش مبتدیان، نام فرزندش ابوالقاسم معین‌الدین محمد را به طریق رَشْف استخراج نمود.<sup>۳</sup>
۲. اسرار الحروف - منظومه‌ای است در پانصد بیت درباره‌ی اسرار نقطه، اسرار حروف و تطبیق شمارش آن‌ها با اسماء و برخی اوصاف حضرات معصومین (ع).<sup>۴</sup>
۳. جامع الفوائد - در علم حروف، در یک فاتحه و پنج فصل و یک خاتمه. در واقع، خلاصه‌ای است از مفاتیح المغالیق. چون در کتاب مذکور بارها به جامع الفوائد ارجاع داده است. او کتاب را برای فرزندش محمد ساخته و در آن به کنیه و نام خود و سفرش

<sup>۱</sup> - عمادالدین محمود دهدار، جواهر الاسرار، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران، به شماره‌ی ۴۳۸۸، برگ ۵۴ پ.

<sup>۲</sup> - همان، برگ ۲ ر.

<sup>۳</sup> - عمادالدین محمود دهدار (ش. ۱ / ۵۵۸۴)، استخراج نام معین‌الدین محمد، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم، برگ ۱ پ - ۶ پ. رشف، به معنی مکیدن آب، در اصطلاح اهل جفر، استخراج اسماء از زمام یا به روایتی، اطلاع از مغیبات و در مقابل کشف است («رشف»، لغت‌نامه‌ی دهخدا).

<sup>۴</sup> - عمادالدین محمود دهدار (ش. ۲ / ۷۶۳۱)، اسرار الحروف، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم.

- به هند تصریح کرده است. مطالب آن تا حدودی شبیه زبده‌الالواح است. منظومه‌ی *سجنجل*<sup>۱</sup>، که برخی آن را رساله‌ای مستقل شمرده‌اند، جزیی از همین کتاب است.<sup>۲</sup>
۴. *جواهر الاسرار* (در برخی نسخه‌ها *جوهر الاسرار*) - به نظم و نثر، در جفر به نقل از ائمه‌ی اطهار (ع)، "در بعضی قواعد اعداد که سیدحسین اخلاطی در کتاب *ذخائر الاسماء* ذکر فرموده". در واقع، خلاصه‌ای است از همان کتاب، در یک فاتحه و پنج فصل و یک خاتمه، با سربندهای جوهر. هر قاعده‌ی جفری را نخست زیر عنوان «تحریر» به نثر و با سرپند «تقریر» به نظم کشیده است.<sup>۳</sup>
۵. *خلاصه‌الذکار* - در آن تعدادی ادعیه را با نام‌های «حروف کواکب، اسماء کواکب» بیان کرده است؛ به عنوان مثال، در «حروف الکواکب» (د، ن، خ، غ)، دعای «یا دیان، یا ناعم، یا خالق، یا غنی» را آورده است.<sup>۴</sup>
۶. *دیوان اشعار*<sup>۵</sup>
۷. *زبده‌الالواح* - در جفر و تکسیر و رمل و اختربینی و حروف مقطعه‌ی قرآن کریم و فواید برخی از آیات، در یک مقدمه و پنج فصل و یک فاتحه. در مقدمه گوید که در این علوم سال‌ها زحمت کشیده است. بنا به اعتقاد او، حروف و مقطعات قرآنی نقش بزرگی در

<sup>۱</sup> - به معنی آینه و برخی گویند که واژه‌ای رومی است (فرست‌الدوله شیرازی، همان، ص ۴۶۴).

<sup>۲</sup> - آقابزرگ تهرانی (۱۳۶۶)، *طبقات اعلام الشیعه (الحیاء الدائر من القرن العاشر)*، ج ۲، تحقیق علینقی منزوی، تهران، دانشگاه تهران، ص ۲۳۸؛ *ریحانة الادب فی تراجم معروفین بالکتبۃ و اللقب*، ص ۲۴۲.

<sup>۳</sup> - عمادالدین محمود دهدار، *جواهر الاسرار*، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران، به شماره‌ی ۴۳۸۸؛ منزوی، فهرست مشترک... پاکستان، ج ۱، ص ۳۳۷؛ آقا بزرگ تهرانی، ذریعه، ج ۵، ص ۲۶۲؛ ج ۱۰، ص ۵، ۱۳؛ *طبقات اعلام الشیعه*، ج ۲، ص ۲۳۹؛ محمدتقی دانش‌پژوه (۱۳۴۰)، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران*، ج ۱۳، تهران، دانشگاه تهران، ص ۳۳۵۱. «خفری»، لغت‌نامه دهخدا.

<sup>۴</sup> - عبدالله انوار، (۱۳۵۴)، *فهرست نسخ خطی کتابخانه‌ی ملی ایران*، ج ۶، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، صص ۲۹۹، ۳۰۰.

<sup>۵</sup> - عمادالدین محمود دهدار، [بخشی از *دیوان*]، نسخه‌ی خطی موجود موسوم به *جنگ* در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران، به شماره‌ی ۸/۳۹۲۱، برگ ۸۵-۸۸؛ تهرانی، *الذریعه*، ج ۹، ص ۷۷۷.

علم جفر دارد و چنانکه کسی به آن‌ها آشنایی داشته باشد، بر فواید بسیاری واقف می‌شود.<sup>۱</sup>

۸. *صحیفه النور* - در این منظومه، که به وزن‌ها و قافیه‌های گوناگون و با تخلص عیانی سروده، اسماء و القاب ائمه و معصومین (ع) را به روش اعداد از آیات قرآنی استخراج کرده و در آغاز، سوره‌ی فاتحه را با اعداد ابجدی تطبیق کرده است.<sup>۲</sup>

۹. *العلم النقطة کثرة الجاهلون* - درباره‌ی اسرار نقطه و حروف، با عنوان‌های «سر»، که در آن از محمود پسیخانی هم یاد کرده است.<sup>۳</sup>

۱۰. *کنز الرموز* - در خواص حروف و تطبیق آن با احکام نجومی؛ او، به گواه شعری که در پایان کتاب آورده، آن را در چهارده روز نگاشته است:

شرح این زبده یا خلاصه تمام شد مرتب به چارده ایام

نام کتاب را هم در این بیت تصریح کرده است:

<sup>۱</sup> - عمادالدین محمود دهدار (ش. ۳ / ۵۵۸۴)، *زبدة اللواح*، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم، برگ ۱۶ پ- ۱۷ ر؛ فهرست کتابخانه‌ی ملی ایران، ج ۶، ص ۸۵؛ خانباها مشار (۱۳۵۲)، *فهرست کتاب‌های چاپی فارسی*، ج ۲، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۲۷۵۴؛ *فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان*، ج ۱، ص ۳۵۴؛ *الذریعه*، ج ۱۲، ص ۲۰؛ *تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری*، ج ۱، ص ۳۹۷.

<sup>۲</sup> - عمادالدین محمود دهدار (ش. ۱ / ۷۶۳۱)، *صحیفه النور*، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم، برگ ۱ پ- ۸ پ؛ حسینی اشکوری، (بی‌تا - ۱۳۷۲)، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی*، ج ۲۰، قم، کتابخانه‌ی عمومی مرعشی، ص ۳۵.

<sup>۳</sup> - *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران*، ج ۱۶، ص ۴۱۸؛ این نسخه در هامش نسخه‌ی ۷۳۶۵ دانشگاه تهران آمده است.

نبرده راه مطلقاً به رموز چشم بندش بُود رموز کنوز<sup>۱</sup>

۱۱. مفاتیح المغالیق- در بیان قواعد علم تکسیر<sup>۲</sup> و جفر جامع و خابیه‌ی شمسی و خافیه‌ی<sup>۳</sup> قمری و اسرار اعداد، وفق و کیفیت نقطه و حروف و شرح بینات حروف و خواص هر یک از این‌ها؛ با بهره‌گیری از برخی آیات قرآن و گفته‌های بزرگان این فنون و جداولی برای مطالب و آموزش تطبیقی آن‌ها، که آن را در یک مقدمه و دوازده فصل و یک خاتمه در جمادی‌الاول ۹۷۶/ اکتبر و نوامبر ۱۵۶۸ نگاشت.<sup>۴</sup>

۱۲. مفتاح الاستخراج - در جفر<sup>۵</sup>

جز این‌ها، آثار الاطوار، غایه الامکان و مقصد الاقصی را نیز به او نسبت می‌دهند، که شاید نام‌گذاری دیگری بر آثار او باشد.<sup>۶</sup>

ابوالقاسم معین‌الدین محمد دهدار (۹۴۷-۱۰۱۳ق. / ۱۵۴۰-۱۶۰۵م)<sup>۷</sup>

خواجه معین‌الدین محمد فرزند ابومحمد محمود دهدار، متخلص به فانی، از مشاهیر دانشمندان صوفی‌مشرّب زمان خود بود. او در معقول و منقول دست داشت و از شاگردان شاه فتح‌الله شیرازی به شمار می‌رفت. او همانند روزبهان بن عماد خنجی اصفهانی، نگارنده‌ی کتاب خرقه‌ی علما<sup>۸</sup>، عقاید خود را مکتوم نگاه داشت؛ به بیان دیگر، عمادالدین محمود تمایلات حروفی حروفی و نقطوی و مخالف صفویه داشت، حال آنکه معین‌الدین محمد تقریباً در آن باره سکوت و

<sup>۱</sup> - طبقات اعلام‌الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۵۷؛ تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، ج ۱، ص ۳۹۷.

<sup>۲</sup> - تکسیر، به معنای در هم شکستن اجسام و ترکیب آن‌ها با یکدیگر است؛ نام دیگر جفر یا علم حروف (فرهنگ عمید؛ «جفر»، دایرة المعارف تشیع).

<sup>۳</sup> - به معنی نهان و پوشیده.

<sup>۴</sup> - عمادالدین محمود دهدار (۱۰۱۶۵)، مفاتیح المغالیق، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی عمومی آیت‌الله مرعشی‌نجفی، ج ۱۸، ص ۱۹۳-۱۹۴؛ دانش‌پژوه، همان، ج ۱۶، ص ۴۱۸.

<sup>۵</sup> - تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، ج ۱، ص ۳۹۷.

<sup>۶</sup> - مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج ۶، ص ۸۴.

<sup>۷</sup> - فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج ۱۶، ص ۵۲۲.

<sup>۸</sup> - "معرفی نسخه‌ی خرقه‌ی علما، کتابی از عهد صفوی"، همان.

حتی مخالفت نمود. نمونه‌ای از مخالفت او را می‌توان در *نقائس‌الارقام* مشاهده نمود.<sup>۱</sup> اما این ظاهر امر است. زیرا گرایش او به نقطویه میراثی خانوادگی بود و فقط به دلیل شرایط خاص مذهبی و سیاسی زمانه و شاید علاقه‌ی دولت‌های دکن هند در حفظ روابط مسالمت‌آمیز با دولت صفوی، عقاید خود را تعدیل کرد. او میان سال‌های ۹۶۵ تا ۹۸۷ ه.ق / ۱۵۵۸ تا ۱۵۷۹ م، به هندوستان رفت. اگر دلیل مهاجرت عمادالدین علاقه‌ی مفرط او به علوم غریبه و منع آنها توسط صفویان بود، دلیل مهاجرت معین‌الدین گرایشات و افکار صوفیانه بود، که آن هم دیگر در نزد صفویه از اعتبار اولیه افتاده بود. او در بیجاپور دکن، در دربار علی اول فرزند ابراهیم بن اسماعیل (۹۶۵-۹۸۷ ه.ق / ۱۵۵۸-۱۵۷۹ م)، چهارمین حاکم عادل‌شاهی آنجا،<sup>۲</sup> کارش بالا گرفت و از آن پادشاه خواست تا استادش شاه فتح‌الله را به دربار خود بخواند و عادل‌شاه زر بسیار فرستاد و او را دعوت کرد. رباعیاتی از این فتح‌الله صوفی، که در حکمت و معرفت مقام ارجمندی داشت، بازمانده است.<sup>۳</sup> معین‌الدین محمد نیز به تقلید از او رباعیاتی سرود، که از آن جمله است:

ایام بقا چو باد نوروز گذشت      روز و شب [ما] به محنت و سوز گذشت  
تا چشم نهادیم به هم، صبح دمید      تا چشم گشودیم ز هم، روز گذشت<sup>۴</sup>

جنبه‌های اعتراض و انتقاد از شرایط دوران را در اشعاری از این دست می‌توان سراغ گرفت. افکار بسیاری از این مهاجران آمیزه‌ای از تصوف داشت و سرزمین هند نیز جایگاه مناسبی برای نشر و نمو اندیشه‌های صوفیانه به شمار می‌رفت.

پس از فوت علی عادل‌شاه (۹۸۷ ه.ق / ۱۵۷۹ م)، شاه فتح‌الله به دربار جلال‌الدین محمد اکبر (۹۶۳-۱۰۱۴ ه.ق / ۱۵۵۶-۱۶۰۵ م)، از پادشاهان مغول هند، رفت و مجالس او گشت و همان جا

<sup>۱</sup>- رسائل دهمدار، رساله‌ی نقائس‌الارقام.

<sup>۲</sup>- استانلی لین پول، (۱۳۶۲)، *طبقات سلاطین اسلام*، ترجمه‌ی عباس اقبال آشتیانی، تهران، دنیای کتاب، ص ۲۹۱؛ استانلی لین پول و دیگران (۱۳۷۰)، *تاریخ دولت‌های اسلامی و خاندان‌های حکومتگر*، ج ۲، ترجمه‌ی صادق سجادی، تهران، نشر تاریخ ایران، صص ۵۳۲، ۵۳۷.

<sup>۳</sup>- این رباعی از اوست:

می از خم معرفت چنسیدن مشکل      وز هستی خویش بریدن مشکل  
تحقیق نکات اهل عرفان آسان      اما به حقیقتش رسیدن مشکل

<sup>۴</sup>- حسن حسینی فسایی ([بی‌تا])، *فارسنامه‌ی ناصری*، ج ۲، تهران، کتابخانه‌ی سنایی، افست از روی چاپ سنگی، صص ۱۹۶، ۱۵۱.

درگذشت. احتمالاً در این زمان بود که شاه فتح‌الله، شاگردش ملک احمد بن ملک مقصود دخی اصفهانی (م ۱۰۲۵ ه.ق/ ۱۶۱۶ م)، خواهرزاده‌ی ابوالقاسم امری شیرازی مقتول و معاصر شریف سرمدی، را به دربار جلال‌الدین محمد اکبر دعوت نمود و برایش در دربار منصب یافت.<sup>۱</sup> از دوستان شاه فتح‌الله در دربار اکبر شاه، یکی فیضی دکنی بود.<sup>۲</sup> محمد دهدار هم در آن سال (۹۸۷ ه.ق/ ۱۵۷۹ م) به احمدنگر دکن رفت و در دربار ابوسعید مرتضی بن حسین بن برهان اول (۹۷۲-۹۹۶ ه.ق/ ۱۵۶۵-۱۵۸۸ م) چهارمین حاکم نظام‌شاهی آنجا، اعتبار بسیار یافت. او به هنگام ورود به دربار نظام‌شاه چهل ساله بود؛ چون وفات او را در شصت و نه سالگی، به سال ۱۰۱۶ ه.ق/ ۱۶۰۷ م نوشته‌اند. در آنجا به مدت هیجده سال به حلقه‌ی مریدان و شاگردان شیخ حسن نجفی پیوست، کتاب‌های خوانده را بار دیگر تکرار کرد و در تصوف به درجه‌ی کمال رسید.

در سلطنت بهادر بن ابراهیم بن برهان دوم (۱۰۰۴-۱۰۰۸ ه.ق/ ۱۵۹۵-۱۵۹۹ م)، آخرین حاکم دولت نظام‌شاهی احمدنگر، به حکومت صوبه از نواحی برار دست یافت؛ شاید او تعارضی میان تصوف و پذیرش مقام سیاسی نمی‌دیده یا آن که صوفی‌اهل دنیایی بوده است. به هر حال، پس از خلع و حبس بهادر و جایگزینی سلاطین مغول هند در برار، معین‌الدین محمد تنها و منزوی به سورت رفت و چنانکه گفته شد، در ۱۰۱۶ ه.ق/ ۱۶۰۷ م در همان جا درگذشت.<sup>۳</sup> اما علت انزوای او سیاسی بود. جلال‌الدین اکبر، سلطان هندوستان، در سال ۱۰۰۴/ ۱۵۹۵ م توسط فرزندش مراد، احمدنگر را محاصره کرد؛ اما با انعقاد قراردادی مبنی بر بیرون رفتن نظام‌شاه از برار، از آنجا عقب نشست. پس از مدتی، جلال‌الدین اکبر دوباره حمله کرد و بهادر را اسیر و دولت نظام‌شاهی را منقرض نمود. پس از این وقایع، جلال‌الدین اکبر بر احمدنگر و برار تسلط یافت.<sup>۴</sup> به احتمال زیاد، در همین سال ۱۰۰۸ ه.ق/ ۱۵۹۹-۱۶۰۰ م، با مرگ ابراهیم و تصرف احمدنگر و برار توسط سلطان مغول هند، معین‌الدین دهدار طریقه‌ی انزوا گزید.

<sup>۱</sup>- تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، ج ۱، ص ۵۳۹.

<sup>۲</sup>- لغت‌نامه‌ی دهخدا، ذیل «فیضی دکنی».

<sup>۳</sup>- مقایسه شود با لین بول و دیگران، همان، ص ۵۳۲؛ نفیسی، همان، ج ۲، صص ۶۵۵-۶۵۶؛ فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۱، ص ۶؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج ۵، صص ۷۹۱-۷۹۲. به نقل از تحفة الکریم، ج ۲، ص ۷۷. ریاض العارفین، ص ۳۹۳؛ مقالات الحنفا، ص ۲۶۸.

<sup>۴</sup>- طبقات سلاطین اسلام، ج ۲، ص ۵۳۲-۵۳۷.

در فهرست‌های نسخه‌های خطی آثار او با نام‌های گوناگون ضبط شده و گاه یک اثر با چند نام گوناگون آمده است؛ همین امر تفکیک آثار او را دشوار کرده است. اما، به طور کلی، همه‌ی آثار او در زمینه‌های عرفانی، فلسفی و تفسیر قرآن است:

۱. *اشراق‌التیرین* - در تشویق به سیر در آفاق و انفس و تصحیح کیفیت ادراک انسانی و توحید؛ در چند اشراق و نیز؛ تقسیم‌بندی بخش‌های کتاب در نسخه‌ها گوناگون است.<sup>۱</sup>

۲. *اصطلاحات صوفیان*<sup>۲</sup>

۳. *الف انسانیت* - تفسیری عرفانی از سوره‌ی *والضحی* و *الم* نشر، که به گفته‌ی خودش در حق پیامبر(ص) نگاشته و در آن مراتب انسانیت و مقامات او را به نثر آمیخته به نظم گزارش داده است. آقا بزرگ تهرانی آن را دهمین رساله‌ی عرفانی دهدار دانسته است.<sup>۳</sup> نسخه‌هایی با نام *تفسیر سوره‌ی والضحی* و *الم* نشر، در واقع، جزیی از همین رساله است.<sup>۴</sup>

۴. *ایجاز مفاتیح الاعجاز* - گزیده‌ای است از شرح شمس‌الدین محمد لاهیجی بر *گلشن راز* شیخ محمود شبستری.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> - معین‌الدین محمد دهدار (ش. ۷/ ۷۳۷۰)، *اشراق‌التیرین*، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، برگ ۴۵ - ۵۵ ر؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، ج ۱۹، ص ۱۷۰؛ احمد متزوی (۱۳۴۹)، *فهرست نسخه‌های خطی فارسی*، ج ۲، تهران، مؤسسه‌ی فرهنگی منطقه‌ای، صص ۱۰۳۱-۱۰۳۲.

<sup>۲</sup> - فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۲، ص ۱۰۳۸.

<sup>۳</sup> - معین‌الدین محمد دهدار (ش. ۹/ ۷۳۷۰)، *اشراق‌التیرین*، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم، برگ ۷۲ پ- ۸۲ ر؛ *فهرست نسخه‌های خطی فارسی*، ج ۲، ص ۱۰۴۷؛ *فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان*، ج ۱، ص ۷؛ *الذریعه*، ج ۲، ص ۲۹۰؛ *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی*، (همان، ج ۱، ص ۳۹۷) و جای دیگر از احمد (کذا) دانسته است (همان، ج ۲، ص ۶۵۵)؛ همچنین، رک پانویس ش ۱۵.

<sup>۴</sup> - معین‌الدین محمد دهدار (ش. ۱۰/ ۲۳۲۲)، *فوائد*، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران، برگ ۹۳ پ- ۱۰۳ ر؛ البته نام *فوائد* در فهرست آثار معین‌الدین محمد دیده نمی‌شود و نام صحیح آن همان *الف انسانیت* است (رک: *فهرست نسخه‌های کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران*، ج ۱۱، ص ۲۳۰۷).

<sup>۵</sup> - تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی تا قرن دهم هجری، ج ۲، ص ۶۵۵-۶۵۶، ۷۴۲؛ *فهرست نسخه‌های خطی فارسی*، ج ۲، ص ۱۰۶۰؛ *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*، ج ۵، ص ۷۹۲.

۵. *توحید استدلالی* - در اثبات واجب و توحید، بیشتر از دیدگاه متکلمان و عارفان و صوفیان، که آن را در برابر به نظام‌شاه مرتضی بن حسین تقدیم کرد؛ در یک مقدمه و سه فصل و یک خاتمه.<sup>۱</sup>

توحید برهانی - در عرفان و در دو مطلب شیء و وجود.<sup>۲</sup>

۶. *جبر و قدر و اختیار* - در پاسخ برادران دینی و با الهام از فلسفه، کلام و آیات قرآن، فرق میان آن‌ها را در چهار مقدمه آورده است.<sup>۳</sup>

۷. *حقیقت ادراک (نسبت میان افراد)* - در فلسفه و در اتحاد عاقل و معقول، بر پایه‌های ذوقی.<sup>۴</sup>

۸. *خلاصه‌الترجمان فی تأویل خطبه‌البیان* - گزارش و ترجمه‌ی خطبه‌ی عرفانی خطبه‌البیان، منسوب به علی(ع) است، که به هنگام اقامت سورت، به سال ۱۰۱۳ ه.ق/ ۱۶۰۴ برای خان خانان نگاشت.<sup>۵</sup>

۹. *در یتیم* - در خویش‌شناسی (معرفت النفس) و مراتب آن، بر پایه‌ی ذوقیات عرفانی.<sup>۶</sup>

۱۰. *دیوان اشعار*<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup> - معین‌الدین محمد دهمدار (ش. ۶/ ۶۴۱۹)، *توحید*، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم؛ برگ ۹۳-۹۴؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۲، ص ۱۱۰۲، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج ۶، ص ۲۲۶۱؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، ج ۱۷، ص ۲۹.

<sup>۲</sup> - فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۱۰، ص ۶۵۷؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۲، ص ۱۱۰۳.

<sup>۳</sup> - فهرست کتابخانه‌ی ملی ایران، ج ۶، ص ۲۹۲؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۲، ص ۷۷۲؛ احتمالاً *جوابات المسائل العرفانیه*، مذکور در *الذریعه*، همان جبر و قدر و اختیار است (ر.ک: طبقات اعلام‌الشیعه، ج ۵، ص ۲۲۸).

<sup>۴</sup> - فهرست کتابخانه‌ی ملی ایران، ج ۶، ص ۲۹۰؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۲، ص ۷۸۲.

<sup>۵</sup> - فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۲، ص ۱۱۳۸؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج ۱۶، ص ۱۰۹.

<sup>۶</sup> - فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۲، ص ۱۱۴۵؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، ج ۱۹، ص ۱۷۱؛ مؤلفین کتب چایی فارسی و عربی، ج ۵، ص ۷۹۲.

<sup>۷</sup> - تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی تا قرن دهم هجری، ج ۲، ص ۶۵۶.

۱۱. *ذوقیات عقلی و معقولات ذوقی (ذوقیه)* - گفتاری فلسفی و عرفانی، با عنوان‌های «ذوق» که در یک بنیان کلی و چهار رکن و یک پایان، برای محمد قلی بن ابراهیم قطب‌شاه (۹۸۹-۱۰۲۰ / ۱۵۸۱-۱۶۱۱) نگاشت.<sup>۱</sup>
۱۲. *رقائق الحقائق* - در فلسفه و در اثبات وحدت وجود، بر پایه‌ی گفته‌های عارفان و حکیمان، به روش عقلی و ذوقی، در یک فتح و هفت رقیقه و ختمی، در مبحث وحدت وجود. در برخی نسخه‌ها به نام *دقائق الحقائق* آمده است.<sup>۲</sup>
۱۳. *زنبیل* - در عرفان و درباره‌ی مسأله‌ی تجلی یا معرفت و موضوعات اخلاقی؛ گویا این رساله ناتمام مانده است.<sup>۳</sup>
۱۴. *شرح بیته‌ی از شاه داعی* - گزارش بیت نظام‌الدین محمود شاه داعی شیرازی (م ۸۶۵ یا ۸۷۰ یا پس از آن / ۱۴۶۱ یا ۱۴۶۶) است:
- خلق به معلوم خرد ملحق است آنچه به حس یافته آن، آن حق است<sup>۴</sup>
۱۵. *کواکب الثواقب* - در اهمیت دانش، به روش عقلی و ذوقی، که در هفت کوبک برای میرزا یوسف‌خان نگاشت.<sup>۵</sup>
۱۶. *ملکات انسانی (عشره‌ی کامله)* - شامل ده صفت نیکو و اصیل انسانی، با استدلال‌های ذوقی و حکایت‌های مناسب برای هر باب، که آن را به هنگام اقامت در سورت (پس از ۱۰۰۸ / ۱۵۹۹) در یک مقدمه و ده فقره برای خان خانان نگاشت. گویا

<sup>۱</sup> - معین‌الدین محمد دهدار (ش. ۱ / ۶۴۱۹)، *ذوقیات عقلی و معقولات ذوقی*، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم؛ برگ ۱ پ- ۱۳؛ (ش. ۳ / ۷۳۷۰)، همان جا، برگ ۱۸ پ- ۲۳؛ فهرست نسخه‌های خطی فاسی، ج ۲، ص ۱۱۵۴؛ تاریخ نظم و نثر فارسی و زبان فارسی تا قرن دهم هجری، ج ۱، ص ۳۹۷؛ طبقات سلاطین اسلام، ج ۲، ص ۵۳۵.

<sup>۲</sup> - معین‌الدین محمد دهدار (ش. ۱۰ / ۷۳۷۰)، *رقائق الدقائق*، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم، برگ، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۲، ص ۷۹۳؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، ج ۱۹، ص ۱۷۲.

<sup>۳</sup> - فهرست کتابخانه‌ی ملی ایران، ج ۶، ص ۷۵۵.

<sup>۴</sup> - *الذریعه*، ج ۹، ص ۳۱۴؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۲، ص ۱۲۲۱.

<sup>۵</sup> - معین‌الدین محمد دهدار (ش. ۶ / ۷۳۷۰)، *کواکب الثواقب*، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم، برگ ۳۸ ر- ۴۴ پ؛ فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی، ج ۱۰، صص ۶۵۷، ۱۰۸۶؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج ۱۴، ص ۳۷۰۳؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۲، ص ۸۳۱.

ترجمه‌ای است از *الاصول العشره‌ی شیخ نجم‌الدین احمد کبری خیوقی* (م ۶۱۹/ ۱۲۲۲).<sup>۱</sup>

۱۷. *نامه‌ها* - شامل چند نامه‌ی عرفانی به دوستان و استادان<sup>۲</sup>
۱۸. *نفایس الارقام* - در آن درباره‌ی عقاید نقطویان هم مطالبی با پرده‌پوشی آورده است؛<sup>۳</sup> در اثبات واجب و توحید خداوند، به طریق متکلمان و حکیمان و صوفیان، در ده رقم<sup>۴</sup>.
- جز این‌ها، کتاب‌ها و رسالات دیگری نیز به او نسبت داده‌اند؛ که نامگذاری دیگری بر آثار او، یا جزیی از آن‌ها یا از آن دیگران است.

### نتیجه‌گیری

اگر بتوان مهاجرت را به دو دسته‌ی کلی دایمی و موقت تقسیم نمود، مهاجرت‌های عهد صفوی عمدتاً دایمی محسوب می‌شود. این نوع مهاجرت را بیشتر زردشتیان ایران در سده‌ی سوم/ نهم به صورت گروهی آزموده بودند. در عهد صفوی مهاجرت دانشمندان به صورت انفرادی صورت گرفت. همچنین، نوع موقت مهاجرت را می‌توان در عهد قاجار (۱۲۱۱- ۱۳۴۴.ق/

<sup>۱</sup> - معین‌الدین محمد دهدار (ش. ۷۲۰ / ۷۳۷۰)، *ملکات انسانی*، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم، برگ ۷ - ۱۶ پ؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج ۶، ص ۲۲۵۸؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۲، ص ۱۰۱۲، ۱۰۸۲، ۱۶۹۲؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، ج ۱۹، ص ۱۶۸.

<sup>۲</sup> - فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۲، ص ۱۴۳۸؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی، ج ۱۰، ص ۶۲۸.

<sup>۳</sup> - معین‌الدین محمد دهدار (ش. ۷۲۰ / ۷۳۷۰)، *نفایس الارقام*، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم، برگ ۲۶ - ۳۶ پ؛ صادق کیا، *نقطویان یا پسیختیان* (۱۳۲۰ یزدگردی)، تهران، بی‌نا، ص ۲۴؛ به نقل از حمید فرزام، "صوفیه و فرقه‌ی حروفیه"، مجموعه‌ی چهارمین کنگره‌ی تحقیقات ایرانی، ۱۳۵۳ ج ۲، به کوشش محمدحسین اسکندری، شیراز، دانشگاه شیراز، ص ۲۲۴.

<sup>۴</sup> - فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج ۱۶، ص ۵۲۲؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی، ج ۱۰، ص ۶۵۷؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۲، ص ۸۵۲؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، ج ۱۹، ص ۱۶۹؛ فهرست کتابخانه‌ی ملی ایران، ج ۶، ص ۲۹۱؛ البته نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی در دو مطلب است، که احتمالاً با رساله‌ی توحید ریانی اشتباه شده است.

۱۷۹۶-۱۹۲۵م) جستجو نمود. مهاجرت را باید در ساخت‌مایه‌های سیاسی، فرهنگی و نظام ایدئولوژیک دولت صفوی جستجو نمود. در واقع، ساختار سیاسی و مذهبی این دولت در تقابل با دولت‌های سنی مذهب عثمانی در غرب و ازبکان در شرق و به منظور تحقق بخشیدن به وحدت مذهبی و سیاسی در داخل، جامعه‌ی مذهبی و اهل فکر و اندیشه را بر سر دو راهی یک انتخاب قرار داده بود. با توجه به پیوند مذهب و سیاست در عهد صفوی، مخالفان مذهبی و سیاسی یا می‌بایست در خدمت ایدئولوژی سیاسی، مذهبی قرار گیرند یا به ممالک سنی‌نشین همجوار- یعنی دولت‌های عثمانی و ازبکان - پناه ببرند. نمونه‌ی بارز آن پناه بردن فضل‌الله خنجی اصفهانی به دربار محمد شیبک خان ازبک است. بنابر این، دلایل مهاجرت را می‌توان در ساختار سیاسی و ایدئولوژیک دولت صفوی جستجو نمود، که نه تنها قرائت‌های مخالف مذهبی و سیاسی را بر نمی‌تافت، بلکه نخبگانی همچون خاندان دهدار را نیز که مستقل از دولت صفوی می‌اندیشیدند و قلم می‌زدند، بر نمی‌تافتند.

خاندان دهدار از نخستین نخبگان مهاجر عهد صفوی به شمار می‌روند، که با بازخوانی آثار بر جای مانده‌ی آنان و دیگر مهاجران، می‌توان بخش‌هایی ناگفته از حیات سیاسی، فکری و مذهبی دوران صفویه را باز شناخت. آنان افرادی اهل علم و ادب و تصوف بودند. تمام آثار دو تن از آن خاندان، عمادالدین محمود و معین‌الدین محمد، به زبان فارسی است، که دلیل آن گسترش فارسی‌نویسی ساده در عهد صفوی است؛ گرچه زبان ادبی و نگارشی آنان چندان محکم و استوار نیست. همه‌ی افراد این خاندان علم جفر را آموخته بودند و احمد عیانی جهرمی، نخستین کسی که از این خاندان شناخته شده است، *رساله‌ی الرمل* را نگاشت. از نوه‌ی او، عمادالدین محمود، چندین کتاب در جفر و علم حروف بازمانده است. اما معین‌الدین محمد فرزند محمود، به‌رغم آنکه این علم مرسوم خانوادگی را فرا گرفت، در این باره کتاب یا رساله‌ای ننوشت. همه‌ی نوشته‌هایی که از او بازمانده، در زمینه‌ی تصوف و عرفان و فلسفه و تفسیر است و آن نوشته‌ها در علم جفر و حروف و کیمیا که به او نسبت می‌دهند، همگی از آن پدرش محمود است. یکی از دلایلی که سبب گردید معین‌الدین محمد کتاب یا رساله‌ای در علم جفر و علم حروف ننویسد، مخالفت صفویان با نقطویان بود. نگارش کتاب‌ها و رساله‌ها در این علوم یکی از ویژگی‌های بارز نقطویان محسوب می‌شد و او، با توجه به سرنوشت بدفرجام دوستان خانوادگی و شاید پدر، به جانب عرفان

و تصوف گرایش یافت؛ که آن هم در این عصر چندان مطبوع نبود و بدین ترتیب، او چاره را در ترک وطن دید.

جنبه‌ی دیگر زندگانی این خاندان سیاسی است. معین‌الدین محمد دهدار به دربار شاهان عادل‌شاهی و سپس نظام‌شاهی در دکن هند راه یافت. عمادالدین محمود، پدر او، با ابوالقاسم امری‌شیرازی، که متهم به نقطویه بود، و شاه، فتح‌الله شیرازی دوستی داشت. از سرنوشت عمادالدین اطلاعی در دست نیست؛ جز آن که او هم دست کم یک بار برای مدتی نامعلوم به هند رفت. می‌توان احتمال داد که به اتهام گرایش نقطوی تحت تعقیب و آزار صفویان قرار گرفته باشد. معین‌الدین محمد هم در محضر پدر و دوستان او به کسب دانش پرداخت. معین‌الدین محمد محیط سیاسی و عقیدتی ایران صفوی را برای خود و دوستان و استادانش چندان مساعد نمی‌دید. به همین دلیل، به هنگام اقامت در دکن، دست کم، فتح‌الله شیرازی را، که از دوستان و استادانش بود، با تشویق حاکمان محلی آنجا نزد خود آورد. او در آثار خود درباره‌ی سرنوشت پدر سکوت نمود؛ همان سکوت معناداری که روزبهان بن عماد اصفهانی، پس از تغییر مذهب خاندانی، درباره‌ی جد اعلای خود فضل‌الله بن روزبهان خنجی اصفهانی، دشمن سرسخت صفویان، در پیش گرفت.

بدین ترتیب، در پایان می‌توان گفت که برخی از مهاجرت‌های ادیبان و دانشمندان عصر صفوی به هند جنبه‌ی سیاسی و احتمالاً مذهبی داشته است. فضل‌الله بن روزبهان خنجی اصفهانی به همین علل از صفویان گریخت؛ اما بعدها روزبهان بن عماد، نتیجه یا نسل سوم از خاندان او، در کسوت شیعی، مدتی در حمایت صفویان در حلقه‌ی شاگردان بهاء‌الدین محمد عاملی، و مدتی در دربار قطب‌شاهی هند زیست و حتی کشکولی هم موسوم به خرقه‌ی علما در عقاید شیعه نگاشت.

به طور کلی، نقطویان، فضل‌الله بن روزبهان، ادیس بدلیسی و معین‌الدین محمد دهدار از نخستین مهاجران در اوایل عهد صفوی به شمار می‌روند. از آخرین مهاجران این عهد نیز می‌توان شاگردان شیخ بهایی، همچون محمد بن علی بن خاتون عاملی، نگارنده‌ی ترجمه‌ی قطب‌شاهی، و روزبهان بن عماد خنجی اصفهانی را ذکر نمود. البته دلایل مهاجرت در دوره‌ی نخست صفوی، سیاسی و مذهبی و در دوره‌ی دوم اقتصادی بوده است. بر این دلایل باید عدم انگیزه‌ی کافی شاهان صفوی در حمایت از دانشمندان و ادیبان دنیایی و صوفیان را افزود. اما محیط هند گرچه

برای مهاجران امکان نگارش نسبتاً آزادانه را فراهم نمود، اما دلیلی در دست نیست که در اعتلای فکری آنان نیز نقش مفیدی اعطا کرده باشد.

## **A historical research on The Emigration of the Dehdar Family from Iran during the Safavid Period**

Abbas Zarei Mehrvarz<sup>۱</sup>  
Ali- Reza Ali Sufi<sup>۲</sup>

### **Abstract**

At the beginning of the Safavid Period a number of scientists and men of letters emigrated to India, the Ottoman Empire and other neighboring countries for various reasons. Their emigration affected the cultural life of the period. The works of two emigrants, Mo`in al-Din Mohammad and `Emad al-Din Mahmud, known as Dehdar, are discussed in this article. The case study of the two personalities throws light on the cultural, religious and economic life of Iran during this period

**Keywords:** Emigration, Safavid, Dehdar family, India, Ottoman empire

---

<sup>۱</sup>. Assistant Professor of history, Department of Social Science, Bu- Ali Sina University

<sup>۲</sup>. Assistant Professor of history, Payaam Noor University

## فهرست منابع و مآخذ

- آوری، پیتر (به سرپرستی)، (۱۳۸۸)، *تاریخ ایران در دوره‌ی پهلوی از رضا شاه تا انقلاب اسلامی* (مجموعه‌ی تاریخ ایران کمبریج)، ج ۷، دفتر ۲، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب فر، تهران، نیل.
- ارشاد، فرهنگ، (۱۳۶۵)، *مهاجرت ایرانیان به هند (قرن هشتم تا هیجدهم میلادی)*، تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- انوار، عبدالله / علینقی منزوی / حبیب‌الله عظیمی، (۱۳۴۳ - ۱۳۷۵)، *فهرست کتابخانه‌ی ملی ایران*، تهران، وزارت فرهنگ و هنر / کتابخانه ملی.
- تهرانی، آقا بزرگ، (۱۳۴۵ - ۱۳۵۴)، *الذریعه الی تصانیف‌الشیعه*، تهران، [اسلامیه].
- \_\_\_\_\_، (۱۳۶۶)، *طبقات اعلام‌الشیعه (احیاء الدائر من القرن العاشر)*، تحقیق علینقی منزوی، تهران، دانشگاه تهران.
- چلونگر، محمدعلی، (۱۳۸۳)، "سیاست مذهبی شاه طهماسب اول و گسترش تشیع در ایران"، *مجموعه‌ی مقالات همایش صفویه در گستره‌ی تاریخ ایران زمین*، تبریز، دانشگاه تبریز، گروه تاریخ.
- جرّ، خلیل، (۱۳۶۳)، *فرهنگ لاروس (المعجم العربی الحدیث)*، ترجمه‌ی حمید طبیبیان. تهران: امیرکبیر.
- حایری، عبدالحسین و دیگران، (۱۳۴۲ - ۱۳۷۶)، *فهرست کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی (شورای اسلامی)*، تهران، کتابخانه‌ی مجلس / انتشارات اسلامی و...
- حسینی اشکوری، احمد، (بی تا - ۱۳۷۲)، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی*، قم، کتابخانه‌ی عمومی مرعشی.
- حسینی فسایی، حسن، (بی تا)، *فارسنامه‌ی ناصری*، تهران، کتابخانه‌ی سنایی (افست از روی چاپ سنگی).
- خنجی اصفهانی، فضل‌الله بن روزبهان، (۱۳۶۲)، *سلوک الملوک*، تصحیح و مقدمه‌ی محمد علی موحد، تهران، خوارزمی.

- دانش‌پژوه، محمدتقی و علینقی منزوی، (۱۳۳۶-۱۳۶۴)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، تهران، دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، تهران، لغت‌نامه‌ی دهخدا/ روزنه.
- دهدار، عمادالدین محمود بن احمد، (ش. ۱ / ۵۵۸۴)، استخراج نام معین‌الدین محمد، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم.
- \_\_\_\_\_ (ش. ۲ / ۷۶۳۱)، اسرار الحروف، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم.
- \_\_\_\_\_ (ش. ۴۳۸۸)، جواهر الاسرار، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ (ش. ۳ / ۵۵۸۴)، زبده‌الالواح، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم.
- \_\_\_\_\_ (ش. ۱ / ۷۶۳۱)، صحیفه‌النور، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم.
- \_\_\_\_\_ (ش. ۱۰۱۶۵)، مفاتیح‌المغالیق، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابت سده‌ی ۱۳.
- \_\_\_\_\_ (۸ / ۳۹۲۱)، [بخشی از دیوان]، در نسخه‌ی خطی موجود موسوم به جُنگ در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران.
- دهدار، معین‌الدین محمد بن محمود، (ش. ۷ / ۷۳۷۰)، اشراق‌التیرین، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم.
- \_\_\_\_\_ (ش. ۷۳۷۰)، مجموعه [آثار]، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم.
- \_\_\_\_\_ (ش. ۱۰ / ۲۳۲۲)، [تفسیر سوره‌ی الضحی] با نام فوائد، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ (ش. ۶۴۱۹)، مجموعه، ش. ۱ (ذوقیات عقلی و معقولات ذوقی) و ش. ۶ (توحید / استدلالی)، نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، قم.

- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۵)، *رسائل ده‌دار*، به کوشش محمد حسین اکبری ساوی، تهران، نشر نقطه/ میراث مکتوب.
- رفیعی، علی، (۱۳۶۶)، "حروفیه"، *دایرة‌المعارف تشیع*، زیر نظر احمد صدر حاج سیدجوادی، کامران فانی، بهاء‌الدین خرمشاهی و حسن یوسفی اشکوری، [قم]، نشر شهید سعید محبی.
- رپیکا، یان و دیگران، (۱۳۷۰)، *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمه‌ی کیخسرو کشاورزی، تهران، گوتمبرگ و جاویدان‌خرد؛ ترجمه‌ی عیسی شهابی (۱۳۵۴)، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- زارعی مهرورز، عباس، (۱۳۷۴)، "معرفی نسخه‌ی خرقره‌ی علما، کتابی از عهد صفوی"، *وقف میراث جاویدان*، ش ۱۰.
- سیوری، راجر، (۱۳۶۳)، *ایران عصر صفوی*، ترجمه‌ی احمد صبا، تهران، کتاب تهران.
- شوشتری، قاضی نورالله، (۱۳۷۷)، *مجالس المؤمنین*، تهران، اسلامیة.
- شیرازی، فرصت‌الدوله، (۱۳۶۲)، *آثار عجم*. تهران، بامداد (افست از روی چاپ سنگی).
- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۶۲)، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۵۶)، *خلاصه‌ی تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران از آغاز تا پایان عهد صفوی*، تهران، امیرکبیر.
- عقیلی، نورالله، (۱۳۸۳)، "جستاری در زمینه‌های رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران عصر صفوی"، *مجموعه مقالات همایش صفویه در گستره‌ی تاریخ ایران‌زمین*، تبریز، دانشگاه تبریز، گروه تاریخ.
- علی صوفی، علی‌رضا، (۱۳۸۳)، "اندیشه‌های حکومتی فضل‌الله بن روزبهان خنجی، در ترازوی سلوک الملوک"، *مجموعه مقالات همایش صفویه در گستره‌ی تاریخ ایران‌زمین*. تبریز، دانشگاه تبریز، گروه تاریخ.
- عمید، حسن، (۱۳۶۳)، *فرهنگ عمید*، تهران، امیرکبیر.
- فرزاد، حمید، (۱۳۵۳)، "صوفیه و فرقه‌ی حروفیه"، *مجموعه‌ی چهارمین کنگره‌ی تحقیقات ایرانی*، به کوشش محمد حسین اسکندری، شیراز، دانشگاه شیراز.

- لین‌پول، استانلی، (۱۳۶۲)، *طبقات سلاطین اسلام*، ترجمه‌ی عباس اقبال آشتیانی، تهران، دنیای کتاب.
- \_\_\_\_\_ و دیگران، (۱۳۷۰)، *تاریخ دولت‌های اسلامی و خاندان‌های حکومتگر*، ترجمه‌ی صادق سجادی، تهران، نشر تاریخ ایران.
- متیکا، راقول، (۱۳۶۸)، "جنبش بابائیان در آناتولی"، ترجمه‌ی عباس زارعی‌مهرورز، *کیهان فرهنگی*، س ۶ ش ۶.
- مدرس، محمد علی، ([بی‌تا])، *ریحانۃ الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة و اللقب (کنی و القاب)*، تبریز/ تهران، شفق/ خیام.
- مشار، خان‌بابا، (۱۳۵۲)، *فهرست کتاب‌های چاپی فارسی*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۴۴)، *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*، تهران، بی‌نا.
- منزوی، احمد، (۱۳۶۱-۱۳۷۵)، *فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان*، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۴۸- [۱۳۵۳])، *فهرست نسخه‌های خطی فارسی*، تهران، مؤسسه‌ی فرهنگی منطقه‌ای.
- میرجهانی طباطبایی، محمدحسن، (۱۳۷۰)، *روایح النسما ت در شرح دعای سمات*، تهران.
- مینوی، مجتبی، (۱۳۵۶)، "سلطنت یوسفی ترکش‌دوز"، *داستان‌ها و قصه‌ها* (مجموعه‌ی عمر دوباره، ج ۱)، تهران، خوارزمی.
- نفیسی، سعید، (۱۳۴۴)، *تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری*، تهران، فروغی.
- نوایی، عبدالحسین/ عباسقلی غفاری‌فرد، (۱۳۸۱)، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه*، تهران، سمت.
- ووستنفلد، فردیناند/ ادوارد ماehler، (۱۳۶۰)، *تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله‌ی هجری قمری و میلادی*، مقدمه و ترجمه‌ی حکیم‌الدین قریشی، تهران، فرهنگسرای نیاوران.

- هینتس، والتر، (۱۳۴۶)، تشکیل دولت ملی در ایران، حکومت آق‌قویونلو و ظهور دولت صفوی، ترجمه‌ی کیکاوس جهان‌داری، تهران، کمیسیون معارف.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.